

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

چریکهای فدائی خلق ایران
۲۰ اکتوبر ۲۰۱۷



رویداد های کرکوک ، رسوائی آشکار سردمداران اقلیم کردستان!

روز دوشنبه ۱۶ اکتوبر / ۲۴ مهر [میزان] ، نیروهای نظامی دولت مزدور عراق با همراهی "حشد الشعبی" مورد حمایت رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی ، به شهر نفت خیز کرکوک حمله کردند و در شرایطی که نیرو های نظامی احزاب سیاسی مسلط در کردستان عراق (اقلیم کردستان) دست به مقاومت چشمگیری نزدند ، کنترل این شهر را به دست خود گرفتند. اکنون در پرتو اتفاقاتی که منجر به تقدیم کرکوک به ارتش امریکا ساخته عراق شد ، هر دو جناح دولت اقلیم کردستان طرف مقابل را به "خیانت" به کردها و "سازش" و "عدم مقاومت" در برابر "دشمن" و ... متهم می کنند و بر بستر چنین تبلیغاتی ست که توده های تحت ستم خلق کرد ، هر چه روشن تر ماهیت این احزاب وابسته و رسوا را یک بار دیگر در مقابل چشمان خود می بینند.

دولت عراق در شرایطی حمله به کرکوک را سازمان داد که پیش از آن بارزانی ، رئیس دولت اقلیم کردستان با طرح مسأله جدائی اقلیم از عراق به برگزاری یک همه پرسی (رفراندوم) در کردستان عراق اقدام نموده بود. این همه پرسی رسماً مورد مخالفت تمامی قدرت های بزرگ جهانی از جمله امریکا و رژیم های وابسته و مرتجع منطقه قرار گرفته بود. از این رو هجوم ارتش عراق در وهله اول به مناطق مورد اختلاف چون کرکوک پس از این رفراندوم ، امری کاملاً روشن و قابل پیش بینی بود. اما آن چه امروز جلب توجه می کند ، فقدان سیاست دفاعی نیروی نظامی تحت فرمان دولت اقلیم در مقابل حمله نیروهای نظامی دولت عراق و حشد الشعبی و اصولاً عدم وجود هیچ گونه اراده سیاسی در احزاب وابسته حاکم برای دفاع از مردم کردستان که این احزاب ادعای پرچمداری خواست آنان برای استقلال را می کردند ، بود. رسوائی تسلیم کرکوک بدون مقاومت تا آن جا بود که برخی خبرگزاری ها از فرار "نیروی پیشمرگه" خبر داده اند و به واقع شهر کرکوک خیلی زود بدون درگیری جدی نظامی به اشغال دولت عراق در آمد.

هر چند در این بین از سازش و معامله جناحی از قدرت حاکم در اقلیم (اتحادیه میهنی) با رژیم جمهوری اسلامی سخن در میان است ، اما سیاست عدم مقاومت جدی و فرار در مقابل ارتش عراق را نمی توان صرفاً با سازش جناحی از

قدرت حاکم در اقلیم توضیح داد و توجیه کرد. آن چه از همه گزارشاتی که در این مورد منتشر شده اند بر می آید ، این است که نیروهای تحت فرمان هر دو جناح از مقاومت جدی در مقابل حمله ارتش عراق ، باز داشته شده بودند.

نکته قابل تأمل این است که بارزانی و هوادارانش که برای استقلال کُردستان همه پرسى گذاشتند و مدعى شدند که اکثریت مردم با آن ها همدستان مى باشند چرا به دفاع از کُردستان بر نخاسته و کرکوک را براحتی به دست دولت عراق دادند؟ و چرا مطابق گزارشات منتشره در جریان حمله ارتش عراق حتی مناطق کُرد نشین دیگر نظیر سنگال (تحت سلطه مستقیم نیروهای بارزانی) را هم بدون شلیک یک گلوله تخلیه نمودند؟ آیا برای بارزانی آشکار نبود که با طرح مسأله استقلال کُردستان به واقع برای ارتش عراق با همکاری نیروهای مرتجع دیگر ، دستاویزی برای حمله به کُردستان تهیه می بیند؟ این عدم مقابله با ارتش عراق را از جانب دولت اقلیم چگونه باید توضیح داد؟

اگر واقعیت و آن چه رخ داده و می دهد ، مبنای یک تحلیل و موضع گیری درست قرار گیرد و نه القانات ژورنال های روز (و سپس ارائه تحلیل های ژورنالیستی) ، خواهیم دید که ایجاد تنش های جدید در منطقه خاورمیانه - که بحران آفریده شده پس از همه پرسى در کُردستان تازه ترین جلوه این سیاست است - تنها در جهت پیشبرد خط ستراتیژیک "جنگ بی پایان" امپریالیسم غارتگر امریکا قرار دارد. ایجاد کانون های بحران و تنش های نظامی در خاورمیانه همان خطی است که از زمان بوش ، رئیس جمهور سابق امریکا، منطقه وسیع خاورمیانه و کشورهای همجوار آن را به جهنمی که آتش جنگ در آن هر روز زیاده می کشد ، تبدیل کرده است و مردم مصیبت دیده این منطقه هر بار جلوه جدیدی از آن را تجربه می کنند. امروز نیز با کوشش در تبدیل کُردستان عراق به یک منطقه جنگی ، همه مرتجعان از ارتش عراق و داعشیان ایرانی گرفته تا قیاده موقت و اتحادیه میهنی و دولت ترکیه و غیره علی رغم همه اختلافات و رو در روئی های شان به این ستراتیژی خدمت می کنند.

گرچه یورش به کرکوک پایان ماجرا نیست ، اما خود نمونه ای است در تأیید این واقعیت که نیرو های وابسته و ارتجاعی فاقد هر گونه پتانسیل برای گام برداشتن جهت تحقق حق تعیین سرنوشت خلق کُرد می باشند؛ و مردم مبارز کُرد نباید هرگز نه فریب نیروی وابسته ای چون بارزانی را بخورند که امروز گوشه ای از هدف ارتجاعی اش از طرح "رفراندوم" یعنی ایجاد یک کانون بحرانی دیگر در خاورمیانه ، بر ملا گشته است و نه با تبلیغات ناسیونالیست ها و فرمیست ها هموائی کنند که با نفی این واقعیت که اراده آزاد خلق کُرد جهت حق تعیین سرنوشت خویش تنها در یک شرایط آزاد و دموکراتیک امکان بروز پیدا می کند ، فریفته طرح رفراندوم بارزانی شدند. آن ها بدون توجه به این که توده های تحت ستم کُرد در کُردستانی که تحت سلطه نیرو های استثمارگر و سرکوبگری چون دولت اقلیم تحت ریاست بارزانی ، امریکا و اسرائیل قرار داشته باشد ، متحمل چه رنج و عذاب هائی خواهند شد و طرح "رفراندوم" اساساً چه هدف شومی را دنبال می کند. برای کُردستان به اصطلاح مستقل تحت سلطه آن ها هورا کشیدند ، چرا که رفاه و آزادی توده های کُرد مسأله آن ها را تشکیل نداده و نمی دهد.

واقعیت این است که رفع ستم ملی در کُردستان (همچون مناطق دیگر) مستلزم در هم شکستن مناسبات سرمایه داری و سلطه امپریالیسم می باشد و خلق کُرد تنها در زمانی قادر خواهد بود از حق تعیین سرنوشت خویش و آزادی برخوردار گردد که مبارزه خود را در جهت نابودی سرمایه داران و مزدوران حاکم سازمان دهد.

حمله ارتش عراق و نیروهای شبه نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی به کرکوک با دستاویز و اکنش در مقابل طرح رفراندوم بارزانی یک بار دیگر نشان می دهد که چه خلق کُرد و چه دیگر خلق های منطقه تحت رهبری هائی که با هر هیبتی ظاهر شوند و به هر اسمی نامیده شوند ماهیت بورژوائی دارند ، قادر نخواهند بود نه به حق تعیین سرنوشت خود دست یابند و نه حتی بندی از زنجیرهای گرانی که به دست و پای شان بسته شده را بگشایند. وقایع اخیر در کُردستان

عراق ورشکستگی تفکرات و نیروهای رنگارنگ ناسیونالیست و سازشکار را هم به روشنی در مقابل همگان به نمایش درآورد؛ همان نیروهائی که بدون توجه به ماهیت طبقاتی دولت اقلیم در مسأله "همه پرسى" برای "استقلال" کردستان اصل حق ملل در تعیین سرنوشت خویش را به بازی گرفتند و نهایتاً زیر پرچم بارزانی و شرکاء به بازیچه دست نیروهای ارتجاعی و وابسته ای نظیر قیاده موقت تبدیل شدند که با دست گذاردن بر روی خواست ها و احساسات به حق توده های تحت ستم خلق کرد ، در واقع گامی دیگر در پیشبرد سیاست های ضد خلقی و ضد ملی امریکا و شرکاء برداشت.

واقعیات هر روز واضح تر از روز پیش نشان می دهند که رهائی خلق های خاورمیانه از ظلم و ستم و جنگ و مصیبت های دیگر ، تنها در اتحاد با هم و مبارزه با دشمن اصلی و مشترک خود که همانا امپریالیست ها و مزدوران رنگارنگ شان می باشد امکان پذیر است؛ و تنها با یک رهبری کمونیستی می توان به چنین پیروزی بزرگی دست یافت. چنین است که باید با همه توان در جهت تقویت جنبش کمونیستی و راهی که سازماندهی طبقه کارگر ، این تنها طبقه تا به آخر انقلابی را امکان پذیر می سازد، فعالیت نمود.

زنده باد خلق رزمنده کرد که برای آزادی می رزمند!

حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلق هاست!

نابود باد امپریالیسم و مزدوران رنگارنگش!

چریکهای فدائی خلق ایران

۱۸ اکتوبر ۲۰۱۷ / ۲۶ مهر [میزان] ۱۳۹۶